



دکتر علیرضا کوهکن  
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

یادداشت مهمان

## چالش بحران‌های منطقه برای قدرت ایالات متحده در سطح جهانی

واکاوای سیاست خارجی بایدن در قبال خاورمیانه

نیست و به لحاظ شخصیتی، رهبری قدرتمند و کاریزماتیک شناخته نمی‌شود؛ بیشتر کسانی هم که به او در انتخابات رأی داده‌اند، از ترس حاکم شدن دوباره ترامپ او را انتخاب کرده‌اند، نه به خاطر خود او یا شعارها و سیاست‌هایش. اگرچه بایدن در قبال بحران‌های موجود در سیاست داخلی و خارجی آمریکا، مجبور به اتخاذ سیاست‌های متعدد و متفاوتی است اما این نوشتار بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، در دوره ریاست جمهوری بایدن متمرکز است؛ هرچند که این سیاست، از دیگر جهت‌گیری‌های سیاسی آمریکا جدا نخواهد بود.

### سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، در یک زمان طولانی برای ایالات متحده، دارای اهمیت راهبردی است؛ آمریکا از زمان جنگ دوم جهانی،

کرده است. به عبارت دیگر، در همه ۴۸ سال گذشته، بایدن تنها ۴ سال در عالی‌ترین مشاغل کاری در آمریکا، مشغول فعالیت نبوده است. این سابقه طولانی سبب شده تا او، هم شناخت کاملی از نظام داخلی آمریکا و سیستم بین‌المللی قدرت داشته باشد و هم افراد دیگر، خلق و خوی، رفتار و تفکراتش را بشناسند.

بایدن، زمانی قدرت را در آمریکا تحویل گرفته که این کشور، درگیر بحران‌های متعدد داخلی و خارجی بوده و عدم موفقیت در مدیریت این بحران‌ها، ممکن است موجب تغییر محسوس جایگاه و قدرت ایالات متحده در سطح جهانی شود. از سوی دیگر، حداقل نیمی از جمعیت آمریکا برای ریاست جمهوری او مشروعیتی قائل نیستند که خود او نیز از توانایی جسمی لازم برخوردار

ظهر روز بیستم ژانویه ۲۰۲۱، جوزف ار بایدن مشهور به جو بایدن، با ادای سوگند در مقابل ارشدترین قاضی دیوان عالی و حدود ۲۰۰ هزار پرچم آمریکا - که در مقابل ساختمان کاپیتول واشنگتن، بر روی زمین قرار گرفته و جایگزین مردمی شده بود - که معمولاً در مراسم سوگند، حضور می‌یافتند و امسال به بهانه کرونا و همچنین، از ترس ناآرامی، از مراسم حذف شده بودند کار خود را به عنوان چهل و ششمین رئیس جمهور ایالات متحده آغاز کرد. بایدن برخلاف گذشتگان خود، یک فرد ناشناس برای سیاست داخلی آمریکا و کشورهای دیگر نیست. او از سال ۱۹۷۳، به عنوان سناتور ایالت دلاور در کنگره حضور داشته که ۳۶ سال نیز سناتور بوده است. پس از آن نیز ۸ سال به عنوان چهل و هفتمین معاون رئیس جمهور آمریکا، فعالیت

در اینجا حضور دارد که سعی در استفاده حداکثری از منابع آن داشته و بعد از تحریم نفتی ۱۹۷۳، به دنبال مدیریت سیاسی آن بوده و از سال ۱۹۸۰، هرگونه تهدید در این منطقه را تهدید منافع راهبردی آمریکا، قلمداد کرده است. از سال ۲۰۰۱ نیز با لشکرکشی مستقیم به این منطقه، به لحاظ مادی هزینه قابل توجهی کرده و سعی داشته است تا کنترل همه منافع منطقه را در مقابل رقبا، در دست داشته باشد. با ذکر همه این موارد، آمریکا در چند سال اخیر، با تغییر اولویت‌های سیاست خارجی، به دنبال رهایی از همه بحران‌های گسترده، حفظ وضع موجود، تلاش برای تمرکز بر مدیریت قدرت‌یابی چین و رفع خطر آن بوده است. این سیاست، اصلی‌ترین جهت‌گیری دولت بایدن نیز خواهد بود؛ بنابراین، این کشور سعی خواهد کرد تا خود را درگیر بحران‌های خاورمیانه نکند، مسائل منطقه را به وسیله کشورهای منطقه مدیریت کند، تنها به استفاده از منابع و منافع منطقه بپردازد و هیچ کار برنامه‌ریزی شده‌ای برای تبدیل شدن منطقه به اولویت اول سیاست خارجی آمریکا انجام ندهد. در حال حاضر که بایدن کنترل دولت را در دست گرفته است، مسائل مختلفی پیش روی او قرار دارد که در ادامه، به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

### مسئله فلسطین

قدیمی‌ترین بحران منطقه، مسئله فلسطین است؛ این موضوع در دوران ترامپ، به صورت متفاوتی مورد توجه آمریکا قرار گرفت. ترامپ با نگاهی کاملاً یک‌سویه به این بحران، سعی کرد تا با پیروی از سیاست جناح دست راستی حاکم در اسرائیل، در نابودی همه خواسته‌ها و آرمان‌های فلسطینیان، نقشی داشته باشد. او برخلاف سیاست قبلی آمریکا، سفارت را به قدس شریف منتقل کرد، کمک‌های مالی به تشکیلات خودگردان و آژانس‌های مربوط به آوارگان فلسطینی را قطع نمود، دفتر ارتباط با حکومت فلسطینی را تعطیل کرد، با شهرک‌سازی‌های اسرائیل، مخالفت جدی انجام نداد، از الحاق سرزمین‌های اشغال شده بعد از سال ۱۹۶۷، حمایت کرد و تقریباً هرکاری که برای اثبات دوستی با نتانیاهو و دشمنی با فلسطینیان می‌توانست، آن را انجام داد. در حال حاضر، بایدن با این میراث مواجه است. او وزیر خارجه‌ای یهودی انتخاب کرده که در کابینه‌اش، چندین متخصص مسائل منطقه را به همراه دارد و بر چالش‌های منطقه، کاملاً مسلط است. دو نکته در خصوص سیاست بایدن و تیم او در خصوص مسئله فلسطین مشخص است؛ بایدن، همان‌گونه که خودش هم ذکر کرده، در این بحران، مانند یک صهیونیست، طرفدار کامل اسرائیل و موجودیت

و ادامه حیات این رژیم است که در این امر، نمی‌توان هیچ‌گونه تردیدی داشت؛ اما نگاه او برخلاف دولت قبل، با سیاست دست راستی‌های افراطی در اسرائیل متفاوت است. بایدن و گروهش، متوجه هستند که هر توافقی در این بحران، نیازمند همراه سازی حداقلی فلسطینی‌هاست و بدون توجه حداقلی به خواسته‌های طرف مقابل، نمی‌توان به ادامه حیات رژیم اسرائیل امیدوار بود. به نظر می‌رسد در بحران فلسطین، تمرکز اصلی تیم بایدن بر بازسازی روابط با تشکیلات خودگردان و فلسطینیان سکولار، تقویت جناح چپ در اسرائیل و گسترش موج عادی سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی یا همان طرح صلح ابراهیمی دوره ترامپ استوار باشد. کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس یکی از نگرانی‌های جدی دولت آمریکا، تغییر سیاسی ناخواسته در کشورهای جنوبی خلیج فارس است؛ امری که اتفاق افتادن آن، حتمی و زمانش نیز محل سؤال است. سیاست گسترش دموکراسی، توجه به معیارهای حداقلی حقوق بشر، بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت در شیوه‌های حکمرانی، در راستای تضمین ادامه حکومت‌های وابسته به آمریکا، ضروری به نظر می‌رسد. در این میان، شاید وضعیت عربستان از دیگران متفاوت باشد. سیاست‌های تهاجمی و پرخاشگرایانه بن سلمان

و همکاری نزدیک او با ترامپ، احتمالاً او را به یکی از اهداف اولیه در سیاست بایدن، تبدیل خواهد کرد. در دوره قبل، عربستان با پرداخت نیمی از ذخیره ارزی خود، توانست ترامپ را به سوی خودش جلب کند. انجام چنین کاری با دولت جدید، معلوم نیست که جوابگو باشد. از سوی دیگر، می‌توان انتظار داشت تا سیاست سکولاریزه کردن جامعه داخلی عربستان در این دوره، برای جلب نظر دولت آمریکا شدت بگیرد. مشکل دیگر در منطقه، جنگ یمن است. این جنگ که در زمان دموکرات‌ها و با حمایت آنان آغاز شد، اکنون به بحرانی غیرقابل حل، تبدیل شده که به همراه خود، بزرگ‌ترین بحران انسانی قرن ۲۱ را ایجاد کرده است. پایان جنگ یمن و خروج آبرومندانه عربستان از آن، شاید جزء نخستین اقدامات بایدن در خصوص کشورهای جنوبی خلیج فارس باشد. باید توجه داشت که قطر و امارات متحده عربی در حال رقابت برای جایگزینی عربستان در روابط با آمریکا هستند و تصمیم‌گیری در این خصوص نیز، احتمالاً مهم‌ترین تصمیم بایدن درباره این کشورها خواهد بود.

### عراق

یکی از مسائل مهم منطقه که معمولاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد بحرانی است که آمریکا در عراق، با آن مواجه شده است. ترامپ، نزدیک یک سال قبل، با تصمیمی جنایت‌کارانه دست به

ترور فرمانده مقاومت در منطقه، آن‌هم کنار فرودگاه بغداد زد. پس از این جنایت، محور مقاومت تصمیم گرفت تا آمریکا را از عراق اخراج کند. با رفتن ترامپ، این تصمیم جدی‌ترین خواهد شد. عراق برای آمریکا، چند اهمیت راهبردی دارد؛ از سویی هزینه بسیار زیاد انجام شده طی سال‌های پس از اشغال این کشور، ضرورت ماندن در آنجا را توضیح می‌دهد و از سوی دیگر، با توجه به منابع عراق، این کشور برای مدیریت آینده رقبای جهانی آمریکا، بسیار مهم است. مدیریت مسائل کشورهای عربی منطقه نیز بدون عراق، امکان‌پذیر نخواهد بود. همه این مسائل، ضرورت توجه به عراق در دولت جدید آمریکا را توضیح می‌دهد. به نظر می‌رسد که بایدن و گروهش، نهایت تلاش خود را به کار خواهند برد تا مانع خروج آمریکا از عراق شوند و با استفاده از ظرفیت وجود گروه‌های ناراضی، سعی در مدیریت مسائل عراق از درون این کشور داشته باشند.

### ایران

شاید پیچیده‌ترین بخش سیاست آمریکا در غرب آسیا، مربوط به ایران باشد؛ تنها بازیگر مستقل منطقه که در دوره ترامپ، هدف سیاست فشار حداکثری آمریکا قرار داشت که توانست آن سیاست را در نیل به اهدافش ناکام بگذارد. در خصوص ایران، میان تیم جدید و تیم قبلی حاکم در کاخ سفید، در اهداف

و خواسته‌ها، تفاوتی وجود ندارد اما در شیوه و عمل، تفاوت زیادی وجود خواهد داشت. بایدن به عنوان طراح سیاست تحریم فلج‌کننده، به خوبی می‌داند که سیاست فشار، نباید تداوم زیادی داشته باشد زیرا کارایی خود را از دست خواهد داد. بهترین شیوه برای وارد کردن حداکثر فشار بر اقتصاد یک کشور، نگاه داشتن آن در شرایط تردید است و به نظر می‌رسد که شیوه کار دموکرات‌ها در این دوره، همین سیاست خواهد بود. بایدن از سیاست فشار حداکثری ترامپ استفاده خواهد کرد تا جمهوری اسلامی را به اعطای امتیاز در مسائل مهمی مانند توانایی موشکی و نفوذ منطقه‌ای مجبور کند که این کار را از طریق گسترش تحریم‌های حقوق بشری، تعامل با جامعه داخلی و فشار بر شرکای منطقه‌ای ایران، انجام خواهد داد. موفقیت این سیاست، به شرایط داخلی و برداشت آمریکا از واکنش ایران، بستگی خواهد داشت. به نظر می‌رسد که در حال حاضر، مطلوب‌ترین سیاست برای ایران، مبادله توان هسته‌ای با رفع تحریم‌ها باشد که پذیرش آن از سوی آمریکا، به جدی‌انگاشتن ظرفیت‌های هسته‌ای ایران از سوی آمریکا بستگی دارد. با توجه به نزدیک بودن انتخابات ریاست جمهوری در ایران، بعید است که زودتر از ماه سپتامبر، شاهد تغییر محسوسی در سیاست آمریکا در قبال ایران باشیم که بعد از آن نیز،



مسئله ایران به عنوان یک موضوع شناختی در سیاست خارجی آمریکا، باقی خواهد ماند.

### جمع بندی

منطقه خاورمیانه به عنوان یک منطقه پراز بحران، یکی از چالش های اساسی سیاست خارجی دولت بایدن خواهد بود؛ اما با توجه به ظرفیت ها، چالش ها و بحران های بزرگ موجود در سیاست داخلی و خارجی آمریکا، دولت جدید این کشور، سعی خواهد کرد تا در یک سال آینده، هیچ هزینه خاصی در منطقه برایش ایجاد نشود و صرفاً با انجام بعضی سیاست های تبلیغاتی، به بهبود وجهه تخریب شده آمریکا در منطقه پردازد، به عبارت دیگر، سیاست بایدن در منطقه، حفظ وضع موجود خواهد بود.